

شناسایی مرجع امنیت در رویکرد امنیت ملی امام خمینی(ره)

دکتر علی کریمی مله

عضو هیأت علمی دانشگاه مازندران

تاریخ ارائه: ۱۳۸۴/۷/۱۵

تاریخ تأیید: ۱۳۸۴/۸/۱۱

چکیده:

این مقاله با هدف بررسی و شناسایی مرجع امنیت در آرا و اندیشه‌های امام خمینی(ره) به تحریر درآمده است. نویسنده برای فهم مرجع امنیت سه شاخص پیشنهاد می‌نماید که عبارتند از مؤلفه تهدید، عوامل تأمین امنیت و اهداف و سیاست‌گذاری‌های امنیتی. در ادبیات امنیت ملی نیز در مجموع پنج مرجع شامل فرد، رژیم، جامعه، دولت و جهان احصا شده است. با توجه به این مؤلفه‌ها، مقاله حاضر بر آن است که مرجع امنیت از منظر امام(ره) مرکب و چندگانه و مشتمل بر جامعه، دولت و رژیم می‌باشد که با یکدیگر رابطه‌ای تعاملی و دیالکتیکی دارند و در بطن مرجع جامعه دو مؤلفه «اسلام» و «مردم» از جایگاه کانونی برخوردارند. در یک جمله می‌توان گفت که بدون رضایتمندی مردم و پشتیبانی آنان از حکومت و دولت، ارکان امنیت ملی ناستوار باقی می‌مانند. بنابراین در رویکرد ایشان، مرجع جامعه با لحاظ دو مؤلفه برجسته آن یعنی اسلام و مردم، بر دو مرجع دیگر اولویت و اصالت می‌یابد.

کلیدواژه‌ها: مرجع‌شناسی، دین‌باوری، جامعه‌گرایی، امنیت ملی، امام خمینی(ره)

مقدمه

نیاز به امنیت و رفتار امنیت‌جویانه قدیمی‌ترین نیاز آدمی و انگیزه کنش او و از حیاتی‌ترین اهداف اجتماعات انسانی در اشکال مختلف خانوادگی، قبیله‌گی، امپراطوری، دولت - ملت و نظام جهانی بوده است؛ اما به رغم این نیازمندی عینی کهن و ریشه‌دار، کاوش نظری و واکاری ابعاد مختلف آن قدمت چندانی ندارد و حداکثر به آغاز جنگ سرد در دهه ۱۹۵۰ م. بازمی‌گردد. این مفهوم با پیچیدگی‌هایش پرسش‌های بسیاری را به اذهان متبادر ساخته که پاسخگویی بدانها تکوین نظریات، مکاتب و رویکرهای متنوع امنیتی را موجب شده است.

از جمله پرسش‌واره‌هایی که ذاتی مفهوم امنیت بوده و پاسخ به آن به ابهام‌زدایی و ایضاح آن می‌انجامد، مفهوم «مرجع امنیت» است. زیرا اولین سوالی که به محض شنیدن واژه امنیت تصور می‌شود، «امنیت چه کسی؟ یا امنیت کدام واحد؟» می‌باشد. مکاتب و گفتمانهای مختلف امنیت ملی هر یک به فراخور مبادی معرفت‌شناسی و فلسفی خود به این پرسش پاسخ‌های متفاوتی داده‌اند که خود مستلزم بررسی توصیفی و تحلیلی جداگانه‌ای است. این مقاله در راستای بومی‌سازی ادبیات امنیت ملی و با این مفروض که امام خمینی (ره) به مثابه سیاستمدار، ایدئولوگ و فقیه هنوز از مرجعیت کافی برای فهم و اندیشه‌ورزی و طراحی سیاست‌های امنیت ملی نزد توده مردم، صاحب‌نظران و نخبگان سیاسی برخوردار است و آرای ایشان در این زمینه‌ها به اندازه کافی واکاری نشده است، درصدد پاسخ‌یابی برای این پرسش است که «مرجع امنیت» در رویکرد امنیت ملی امام خمینی چیست؟ به عبارت دیگر بقا و دوام کدام واحد آماج تهدید واقع می‌شود و یا با صیانت از کدام واحد می‌توان به امنیت ملی دست یافت؟

این پرسش اصلی مذاقه درباره سؤال‌های فرعی دیگر همانند اینکه «روش فهم مرجع امنیت در ادبیات امنیت ملی چیست و با استناد به کدامین گزاره‌ها، مفاهیم و آموزه‌ها می‌توان به درک قابل‌اعتنایی از مرجع امنیت دست یافت؟» و یا اینکه «تپیولوژی مراجع امنیت وجود چند مرجع را می‌نمایاند؟»، را ضروری می‌سازد که این نوشتار با رعایت اختصار عهده‌دار جوابگویی بدان‌هاست.

این نوشتار با رویکردی توصیفی و با اتکا به روش کتابخانه‌ای و اسنادی و با تأمل در گفتار و آرای امام خمینی (ره) که در کتاب صحیفه نور گردآوری شده است و نه تحلیل رفتار و

سیاست‌های امنیتی دوره حیاتشان که موضوعی مستقل و از منظری مجزا قابل مطالعه است، پس از بررسی و شناسایی مؤلفه‌های امنیت ملی و احصای عوامل تهدید آن از نگاه ایشان به این فرضیه نایل آمده که مرجع امنیت در رویکرد امنیت ملی امام خمینی (ره) مرکب و متشکل از جامعه، رژیم و دولت است که با یکدیگر رابطه‌ای تعاملی و دیالکتیکی دارند. گزاره فوق پس از شناسایی مؤلفه‌های مقوم امنیت ملی و احصای عوامل تهدید آن از نگاه امام (ره) استخراج شده است. البته بر این باورم که توصیف موضوع گام آغازین فهم آن بوده و تحلیل و تبیین گفتامانی رفتار و سیاستگذاری‌های امنیتی امام (ره) به ویژه مداخله معرفت‌شناسانه آن مستلزم پژوهش عمیق‌تر از سوی اندیشه‌ورزان و امنیت‌پژوهان است.

مقاله برای نیل به مقصود پژوهش، صورتبندی خود را با زیرساخت مفهوم‌شناسی مرجع امنیت و فهم آن آغاز نموده و پس از بیان گونه‌های مختلف مرجع امنیت ملی و تبیین مؤلفه‌های امنیت‌زا و عوامل امنیت‌زدا در آرای امام (ره)، استخراج مرجع امنیت در رویکرد ایشان را در مظان توجه خود قرار داده است.

با توجه به نکات بالا و در بررسی مقایسه‌ای رویکرد امنیت ملی امام خمینی (ره)، باید بدین پرسش‌ها پاسخ گفت که اهم عوامل قدرت ملی که سهم قابل ملاحظه‌ای در تقویت امنیت ملی دارند و به عبارت دیگر مؤلفه‌های تأمین‌کننده آن کدامند؟ و به نظر ایشان اهم تهدیداتی که پایایی و پویایی جمهوری اسلامی ایران را با خطر مواجه می‌سازد، چه عناصر و متغیرهایی است و اساساً سیاستگذاری‌ها و طرح‌ریزی‌ها باید ناظر به تأمین امنیت چه واحدی باشد؟ برای پاسخ به چنین سؤالاتی نکات زیر باید مد نظر قرار گیرند.

الف. مفهوم‌شناسی مرجع امنیت

از جمله پرسش‌واره اساسی که همراه با مفهوم «امنیت ملی» به اذهان متبادر می‌شود و سهم بسزایی در ابضاح و ابهام‌زدایی از آن و هویت‌بخشی بدان دارد، تعیین مرجع امنیت است. چه امنیت ارکان مفهومی مختلفی دارد که بدون در برداشتن تلویحی یا تصریحی آنها فهم کامل آن ناتمام و غیروافی به مقصود می‌نماید. زیرا فهم امنیت مستلزم پاسخ‌گویی به این گزاره است که امنیت برای چه و کدامین واحد مدنظر است و اساساً موضوع سیاستگذاری‌های امنیتی و

مخاطب تهدیدات کدام است و این سیاستگذاری‌ها در پی آنند که امنیت چه واحدی را تأمین نمایند و یا از منظر تجویزی^۱ تأمین امنیت پایدار کدام واحد مطلوب است؟ با این توضیح می‌توان مرجع امنیت را عبارت از واحدی دانست که موضوع سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های امنیتی واقع شده و هدف اصلی آن سیاست‌ها تقلیل تهدیدات و تأمین امنیت پایدار آن واحد است.

مرجع امنیت مانند خود مفهوم امنیت ملی ایده‌ای برخوردار از اجماع نیست و امنیت‌پژوهان مختلف هریک به فراخور رویکرد، رهیافت و روش‌شناسی ویژه خود و نیز با توجه به تیپولوژی رژیم‌های سیاسی و ساخت قدرت سیاسی آن، مرجع خاصی را انتخاب و بر آن تمرکز نموده‌اند که در ادامه این نوشتار گونه‌شناسی مراجع امنیت مورد توجه قرار می‌گیرد؛ اما نخست باید روش فهم آن را دریافت.

ب. شاخص‌های شناسایی

نخستین پرسشی که جستجوی پاسخ آن در ادبیات امنیتی ضروری به نظر می‌رسد، به دست آوردن شاخص‌هایی است که شناسایی مرجع امنیت در رویکردها، گفتمان‌ها و مکاتب امنیت ملی مختلف را میسر می‌سازند. چگونه می‌توان دریافت که یک نظریه یا رویکرد کدامین واحد را مرجع اصلی امنیت معرفی می‌کند؟ در پاسخ باید متذکر شد که اگرچه ادبیات امنیت ملی بر شیوه فهم مرجع امنیت به صراحت دلالتی ندارد؛ اما اندکی واکاوی نظری، امنیت‌پژوه را به آموزه‌ها و مفاهیمی دلالت می‌کند که ناظر به معرفی چند شاخص اصلی برای درک مرجع امنیت می‌باشد. به نظر نگارنده، توجه امنیت‌پژوهان، رویکردها و گفتمان‌های امنیتی به گزاره‌های زیر می‌تواند حاکی از تمرکز آنها بر مرجع اصلی امنیت باشد:

یک. مؤلفه تهدید؛ یعنی آن رویکرد چه عناصر و عواملی را موجب تهدید می‌داند و رخداد یا تشدید آن وقایع را موجب تهدید بقا یا دوام واحد مورد نظر معرفی می‌کند؟ مثلاً اگر صاحب‌نظری بر این باور باشد که تخریب محیط‌زیست، امنیت کره خاکی و زیستگاه طبیعی

بشر را با خطر مواجه می‌سازد و یا جنگ تمامیت ارضی کشور را مخدوش می‌کند، در اولی جامعه جهانی و در دومی دولت را مرجع امنیت انتخاب کرده است.

دو. عوامل تأمین امنیت؛ یعنی وجود و تقویت چه مؤلفه‌هایی را مقوم امنیت آن و مستلزم قوام و دوام آن پیشنهاد می‌نماید. به عنوان مثال اگر رویکردی بر این گزاره تأکید نماید که رضایت‌مندی شهروندان از قابلیت پاسخ‌گویی حکومت و باورمندی آنها به مبانی مشروعیت نظام سیاسی ضامن امنیت آن می‌باشد و یا تشکیل نهادهای برخوردار از ضمانت اجرایی مؤثر، یا رژیم‌های بین‌المللی مؤثرترین عنصر تأمین امنیت جهانی‌اند، مرجع امنیت در گزاره نخست رژیم و در گزاره دوم جامعه جهانی است.

سه. اهداف و سیاست‌های امنیت ملی؛ تبیین اهداف امنیت ملی و سیاست‌گذاری‌های ناظر به آن می‌تواند به درک بهتری از مرجع امنیت بیانجامد. مثلاً در هدف حفظ تمامیت ارضی، ارتقای کیفیت زیست مردم یا تحقق صلح و ثبات جهانی، مرجع امنیت به ترتیب دولت، مردم و جامعه جهانی می‌باشد.

بنابراین با توجه به سه متغیر تهدید یا آسیب‌پذیری، مبانی و عوامل قدرت و تأمین امنیت و اهداف و سیاست‌گذاری‌های امنیت ملی می‌توان به فهم درست مرجع امنیت نایل آمد.

ج. گونه‌شناسی مراجع امنیت

به رغم اذعان به فقدان اجماع و اتفاق نظر بین امنیت‌پژوهان در خصوص مرجع امنیت، مرور اجمالی کتابشناختی بر ادبیات موضوع و لحاظ عقلی چنین می‌نمایاند که مراجع پنج‌گانه زیر را می‌توان برای امنیت قابل احصاء دانست: فرد^۱، رژیم^۲، جامعه^۳، دولت^۴ و جامعه جهانی^۵ (۱).

-
1. Individual
 2. Regime
 3. Society
 4. State
 5. World Society

۱. دولت

مکتب واقع‌گرایی که بازتابنده رویکرد سخت‌افزاری^۱ در فضای پس از جنگ جهانی دوم و مبین وضعیت امنیتی کشورهای توسعه‌یافته غربی به ویژه ایالات متحده آمریکا بود، با تأکید بر ماهیت آنارشیک نظام بین‌الملل و در نتیجه ضرورت کنش‌گری دولت، آن را به عنوان بازیگر اصلی تعیین و معرفی می‌کند. (۲)

باری بوزان^۲ که از جمله میرزترین نمایندگان این دیدگاه است، ضمن تأکید بر مرجعیت دولت در امنیت؛ در مقام شمارش و گونه‌شناسی تهدیدات امنیتی، سه دسته را برمی‌شمارد: تهدیدهایی که متوجه ایده دولت (ناسیونالیسم) هستند، تهدیدهایی که متوجه وجود فیزیکی و مادی دولت (جمعیت و منابع) می‌شوند و بالاخره تهدیدهایی که سازمان دولت (سیستم سیاسی) را هدف قرار می‌دهند. (۳) چنانکه از این تقسیم‌بندی پیداست، تهدیدات امنیتی در نسبتی که با موضوع محوری یعنی دولت برقرار می‌کنند، قابل شناسایی و فهم می‌شوند.

بوزان به رغم اعتقاد به سطوح مختلف امنیت فردی و ملی، اذعان می‌کند که بین این سطوح چنان رابطه‌ای وجود دارد که تغییرات ایجادشده در امنیت فردی نمی‌تواند به ایجاد تغییرات فوری و بی‌ثبات‌کننده در دولت بیانجامد. به نظر وی امنیت فردی رابطه‌ای تبعی نسبت به ساختارهای عالی‌تر دولت دارد؛ لذا در درجه‌ای نازل‌تر از آن قرار داشته و با آن همسنگ نیست.

ناگفته نماند که دیدگاه بوزان از جهات مختلف و از سوی صاحب‌نظران و امنیت‌پژوهان گوناگون مورد نقد واقع شده است. برای مثال بندیک اندرسون^۳، بوث^۴ و اسمیت^۵ با تأکید بر عواملی مانند وجود کارویژه‌های غیرامنیتی برای دولت، شأن ابزاری دولت‌ها در مقام امنیت‌سازی و تنوع مفهوم دولت، دیدگاه دولت‌محور او در مطالعات امنیتی را مورد نقد قرار داده و مراجع بدیل دیگری را به جای دولت که شمول مفهومی و کاربست عملیاتی بیشتری داشته باشد، معرفی کرده‌اند. (۴)

1 . Hard Ware approach
2 . Barry Buzan
3 . Benedict Anderson
4 . Booth
5 . Smith

۲. رژیم

از دیدگاه برخی امنیت‌پژوهان، رژیم سیاسی^۱ به معنی صاحبان قدرت و نخبگان ابزاری^۲، قدرتمندترین مرجع امنیت به شمار می‌رود. در این برداشت هدف محوری طرح‌ها، الگوها و رژیم‌های امنیتی، صیانت از رژیم حاکم و تأمین امنیت آن و نه حمایت و حفاظت از شهروندان است. به بیان دیگر ماهیت تهدیدزایی یک پدیده در نسبت آن با موجودیت رژیم حاکم و تضعیف مبانی و عوامل قدرت آن سنجش می‌شود. چنین تلقی‌ای به ویژه در دوران پیشادولت^۳ که تأمین امنیت فرد حاکم مثل رئیس قبیله، پادشاه یا امپراطور یا گروه حاکم مثل حکومت طبقه اشراف و یا در دوران دولت طبقاتی^۴، حمایت از امنیت و منفعت طبقه حاکم را در کانون توجه قرار می‌داد، صادق است که با گذار به دوران دولت ملی^۵، این مرجع دچار جابه‌جایی شد. ناگفته نماند که امروزه چنین رویکردی در رابطه با آن دسته از نظام‌های سیاسی غیردموکراتیک که با بحران مشروعیت مزمن مواجهند، صادق است؛ زیرا در اینگونه رژیم‌ها به دلیل فقدان پایگاه گسترده مقبولیت اجتماعی، فاصله عمیقی بین شهروندان و حکومت وجود دارد و به دلیل تقابل و قطبی‌شدن^۶ خواست و اراده مردم و حکومت، امنیت رژیم و شهروندان نه فقط متمایز از هم، بلکه در مقابل هم قرار می‌گیرد. رژیم‌های توتالیتر و دیکتاتوری‌های مطلقه در این دسته قرار می‌گیرند.

نیکول بال^۷ از زمره قایلین به این دیدگاه است. وی با توجه به تفاوت‌های عمیق ساخت قدرت سیاسی در اغلب کشورهای جهان سوم و کشورهای توسعه‌یافته بر این باور است که سیاست برخی از این کشورها آشکارا نه امنیت مردم بلکه تأمین اجبارآمیز امنیت الیت سیاسی است. (۵)

دیویس بی‌بارو و استیو چن نیز با اشاره به تفاوت مختصات محیط امنیتی کشورهای جهان سوم و توسعه‌یافته به طور مشابه، معتقدند که در جهان سوم امنیت رژیم از امنیت جامعه و

1 . Political regime
2 . Instrumenta elite
3 . Pre - state
4 . Class State
5 . Nation - State
6 . Polarization
7 . Nikole Ball

امنیت ملی متمایز است و تهدید امنیت ملی فقط آن دسته تهدیدات را شامل می‌شود که علیه صاحبان مقام و قدرت صورت گیرد. (۶)

آنچه حایز توجه است اینکه در اینگونه رژیم‌ها، حکومت‌کنندگان با معادل‌سازی امنیت ملی با امنیت رژیم به دنبال بیشینه‌سازی قدرت کنترل و مانور خود بر سیاست‌های داخلی، افزایش قدرت بر علیه مخالفان و مشروعیت‌بخشی استفاده از روش‌ها و ابزارهای فهرآمیز علیه مخالفان داخلی به بهانه تهدید امنیت ملی هستند.

۳. جامعه

در دیدگاه جامعه‌محور که در تاریخ تحول امنیت‌پژوهی، متأخر به نظر می‌رسد، مرجع اصلی امنیت، نه فرد، دولت یا رژیم بلکه جامعه عنوان می‌شود. این دیدگاه به جای تکیه بر اقتدار یا قدرت، امنیت اجتماعی و هویت را جانشین آن می‌سازد و تحصیل امنیت را در گرو تثبیت و تقویت عقاید، هنجارها و ارزش‌های اجتماعی و حفاظت از صورت‌بندی الگوهای سنتی، زبان، گویش، فرهنگ، مذهب، آداب و رسوم، تشکیلات و ساختارهای اجتماعی و به طور خلاصه حفظ ممیزه‌های هویت ملی جامعه و تداوم آن می‌داند و تهدید امنیت ملی نیز زمانی رخ می‌دهد که عوامل درونی یا اقتضانات محیط بیرونی حفظ الگوها، ساختارها و هویت‌های یاد شده را در معرض مخاطره قرار دهد.

از منظر جامعه‌گرایان تأمین رضایت مردم، تحقق عدالت و برابری اجتماعی صرف نظر از تمایزات جنسیتی، طبقاتی و اقتصادی، شرط لازم نیل به صلح و ثبات و دستیابی به امنیت پایدار تصور می‌شود و هرگونه سیاست و فعالیتی که جنسیت‌محور یا طبقه‌مدار بوده و نتیجه آن تقلیل رضایتمندی همه‌جانبه مردم باشد، تهدید امنیت ملی قلمداد می‌شود.

کن‌بوث^۱ که از مبلغین این دیدگاه به شمار می‌رود با نقد دیدگاه‌های جنسیت‌پایه^۲ و مردم‌سالار امنیت ملی و تأکید بر مردم‌محوری در مطالعات امنیتی، یادآور می‌شود که مفهوم

1 . Ken Booth

2 . Robert Mandel

نوظهور امنیت بر این نگرش استوار است که تحقق عدالت اجتماعی - که برابری جنسی را نیز شامل می‌شود - برای نیل به صلحی پایدار کاملاً ضروری است. (۷)

به نظر می‌رسد رابرت ماندل را نیز می‌توان در این دسته قرار داد؛ زیرا وی وقتی به ابعاد و متغیرهای امنیت فرهنگی اشاره می‌کند، در واقع به توسعه ابعاد امنیت می‌اندیشد؛ به گونه‌ای که حفظ هویت مردم و بالطبع جامعه محوری در مرکز اندیشه وی قرار می‌گیرد. (۸)

۴. فرد

در طیف‌هایی از مطالعات امنیتی به‌ویژه در مکتب انتقادی، فرد به عنوان مرجع اصلی امنیت معرفی شده و تهدیداتی که امنیت افراد را با خطر مواجه می‌سازند و یا شرایطی که به تأمین امنیت وی می‌انجامند، مورد توجه قرار گرفته‌اند. این مکتب برای جایگزین کردن فرد به جای دولت در مطالعات امنیتی و فهم شرایط امن و ناایمن، بر دو مفهوم کلیدی یعنی رهایی و رضایت تکیه می‌کند. در این مکتب رهایی عبارت است از آزاد کردن افراد از عوامل بازدارنده اجتماعی، فیزیکی، اقتصادی و سیاسی. بوث که خود از مبلغین و معتقدین این برداشت است، رهایی را برخوردارگی از اختیار و حق‌گزینش در چارچوب فرصت‌های برابر و به حداقل رساندن مقاومت و محدودیت در راه نیل به نیازهای بشری تعریف نموده است. از نظر او «رهایی از سلطه» یعنی آزادگشتن مردم (افراد و گروه‌ها) از فشارها و محدودیت‌های فیزیکی و رسانه‌ای که انسان‌ها را از دستیابی به اهدافشان باز می‌دارد، راه تأمین امنیت است. (۹)

در بعد «رضایت» نیز فردگرایان برآنند که نیل به شرایط ایمن و تقویت و تحکیم آن مرهون مقابله و فائق آمدن انسان بر حس‌نومیدی است که از شکاف بین وضعیت موجود و مطلوب ناشی می‌شود. مفهوم مخالف گزاره فوق این است که کاهش و حذف شکاف بین دو وضعیت یادشده به ارتقای سطح رضایتمندی شهروندان و در نتیجه افزایش ضریب امنیتی می‌انجامد.

۵. جامعه جهانی

تشدید وابستگی متقابل جهانی از اواخر دهه ۱۹۷۰م. و نیز تسریع و تصعید فرآیند جهانی‌شدن، فشارهای مختلف زیست‌محیطی که مرزهای قابل تقدیس حاکمیت ملی را به

آسانی درمی‌نوردند و تغییر زیست‌گاه طبیعی انسان در اثر گرم‌شدن کره زمین ناشی از اثرات گلخانه‌ای، تخریب لایه اوزون و از بین رفتن جنگل‌ها^۱ و کویری‌شدن فزاینده زمین و نیز مواجهه انسان با آلودگی‌های مختلف شامل باران‌های اسیدی، ضایعات سمی و تغییراتی که در فیزیولوژی اساسی کره خاک و چرخه مواد شیمیایی حیاتی در حال وقوع است، باورمندی به یکپارچگی سرنوشت بشر را تقویت نموده؛ به گونه‌ای که مهار و مدیریت عوامل برهم‌زننده امنیت یا بقای جامعه بشری و تلاش برای تمهید شرایط زیست‌ایمن در سطح جهانی را به موضوع نوین مطالعات امنیتی مبدل ساخته است. (۱۰)

در همین راستا امنیت‌پژوهانی چون کلودزیچ به جست‌وجوی مرجع امنیت در ورای دولت پرداخته و بر این باورند که تهدیداتی در حال تکوین است که فراتر از بقا و امنیت کشور یا جامعه و رژیم معین، بقا و امنیت بشریت را تهدید می‌کند. بنابراین سیاست‌ها و طرح‌های امنیتی باید به گونه‌ای ترسیم و اجرا گردد تا کمینه‌سازی تهدیدات متوجه زیست‌گاه بشر را هدف قرار دهد. به اعتقاد او سیاست امنیتی را می‌توان چنان تصویر کرد که تلاش گروه‌ها و دولت‌ها برای نفوذ به گستره جهانی و تأسیس سیستم امنیتی بین‌المللی را شامل شود. (۱۱)

د. مرجع‌شناسی امنیت در آرای امام خمینی (ره)

مقوله امنیت ملی در آرای امام (ره) با الهام از میدادی معرفت‌شناسی، جهان‌شناسی و انسان‌شناسی دینی از نظر رویکردی تلفیقی و مرکب از آرمان‌گرایی و واقع‌نگری بوده و توأمان از درون‌مایه‌های بسط‌محوری و حفظ‌پایگی برخوردار است (۱۲) و از نظر گفتمانی به گفتمان مدرن و نرم‌افزاری تعلق دارد.

با این توضیح که آرمان‌گرایی، امام (ره) را بدین گزاره رهنمون می‌شود که جست‌وجوی امنیت پایدار و اطمینان‌بخش، حکومت اسلامی را در پیوند ناگسستنی با امنیت امت اسلامی و حتی جهان مستضعفین ببیند و عوامل تهدیدزا و امنیت‌سوز فراملی را تهدید امنیت ملی نیز قلمداد نماید. از دیگر سو واقع‌گرایی با حفظ «اصالت‌های» ایدئولوژیک و اعتقادی، توجه به «ضرورت‌ها» را در سرلوحه توجه وی قرار می‌دهد و بیشتر بر فرصت‌ها و مقدرات امنیت‌ساز

برای واحد ملی و یا تهدیدات و مخاطراتی که متوجه آن است و اولویت‌بخشی به دفع و تقلیل آن تأکید می‌کند.

به علاوه، گفتمان مدرن امنیت با اجتماعی‌کردن امنیت یا تأکید بر امنیت اجتماعی‌شده، جامعه را جانشین دولت - نقطه ثقل امنیت در گفتمان سنتی - می‌کند. این گفتمان با پذیرش این پیش‌فرض که حکومت نمایندگی جامعه را بر عهده دارد و حکومت‌کنندگان، نمایندگان جامعه به شمار می‌روند و دیگر آنکه امنیت پدیده‌ای چندبعدی و مرکب از ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و نظامی است، امنیت پایدار را در گرو حفظ ارزش‌ها، هنجارها، و سنت‌ها و در یک کلمه «هویت» جامعه می‌داند و بر تهدیدات داخلی و ابعاد غیرنظامی تهدیدات تأکید زیادی می‌گذارد. (۱۳)

به عبارت دیگر، نگاه گفتمان مدرن و نرم‌افزاری به امنیت، نگاهی مرکب و چندبعدی است که بر اساس آن، مؤلفه‌ها و متغیرهای متنوعی هم در طیف عوامل امنیت‌زا و هم در بخش عوامل امنیت‌زدا اثرگذار می‌باشند. بنابراین با توجه به این گزاره مقدماتی و در نگاهی مقایسه‌ای می‌توان گفت که مروری اجمالی بر گفتارهای امام خمینی (ره) بر مدرن و نرم‌افزارگونگی گفتمانی و تلفیقی‌بودن رویکرد ایشان دلالت می‌کند و این واقعیت را از احصای مؤلفه‌های تأمین‌کننده امنیت و عوامل تهدیدکننده آن از نگاه ایشان می‌توان استنباط نمود. در این قسمت از مقاله نه به قصد استخراج و برشماری کامل عوامل مختلف تأمین یا تهدید امنیت ملی، بلکه به هدف ایضاح بهتر فرضیه، اهم تهدیدات امنیت ملی مورد اشاره قرار می‌گیرد:

اگر امنیت سیاسی را توانایی جامعه برای تداوم‌بخشی به ویژگی سیاسی - بنیادی خود تحت شرایط متحول و در مقابل تهدیدات احتمالی یا واقعی (۱۴) تعریف می‌کنیم، مؤلفه‌های تأمین‌کننده امنیت سیاسی از دیدگاه امام (ره) عبارتند از:

استقلال‌طلبی و ناوابستگی به قطب‌های قدرت (۱۵)؛ قانون‌مداری (۱۶)؛ انسجام و یکپارچگی سیاسی (۱۷)؛ مشارکت سیاسی و پشتوانه مردمی (۱۸)؛ پاسخگویی به مطالبات مردم و نمایش کارآمدی (۱۹)؛ گزینش نخبگان سیاسی مردمی و متعهد به مبانی انقلاب و نظام (۲۰)؛ هماهنگی نهادها و ساختارهای حکومت (۲۱)؛ خودباوری ملی (۲۲)؛ و خدامحوری سیاست‌ها (۲۳).

در طیف تهدیدات سیاسی امنیت ملی نیز عوامل زیر به عنوان عوامل تهدیدزا مورد توجه امام(ره) واقع شده‌اند:

برون‌گرایی و وابستگی به بیگانگان(۲۴)؛ خوش‌بینی به ابرقدرت‌ها و هراس از آنها(۲۵)؛ جایگزینی قدرت با اقتدار(۲۶)؛ فاصله‌گیری از طبقات پایین و محروم جامعه(۲۷)؛ تعارض گفتاری و رفتاری نخبگان سیاسی(۲۸)؛ انزوایگزینی، غفلت و بی‌تفاوتی نسبت به مسایل سیاسی(۲۹)؛ تفرقه و تعارض بین اقشار اجتماعی و گروه‌های سیاسی(۳۰)؛ قانون‌گریزی، ناستواری و بی‌ثباتی سیاسی(۳۱)؛ ضعف یا تضعیف نهادها و دستگاه‌های دولتی(۳۲)؛ توطئه‌چینی قدرت‌های خارجی به ویژه آمریکا(۳۳)؛ ناکارآمدی سازمان‌ها، رژیم‌ها و مجامع بین‌المللی(۳۴)؛ بی‌اهتمامی در فرایند‌گزینش‌گری سیاسی(۳۵) و فقدان اجماع ذهنی و عملی نخبگان سیاسی(۳۶).

در بعد امنیت فرهنگی - اجتماعی به عنوان کانونی‌ترین مسأله در منظومه اندیشه امنیتی امام(ره)، موضوعاتی در طول حیات سیاسی ایشان مورد عنایت قرار گرفته‌اند که بر جامعه‌پایگی مرجع امنیت در آرای ایشان دلالت دارد. از جمله مؤلفه‌ها و عوامل تأمین امنیت در این بعد عبارتند از:

۱. حاکمیت فرهنگ و ارزش‌های اسلامی در عرصه عمومی(۳۷)
۲. نظارت و مشارکت همگانی در کار دولت(۳۸)
۳. پویایی، زایش و بازتولید همیشگی فرهنگی مراکز مولد اندیشه (دانشگاه‌ها، مدارس و حوزه‌های علمیه)(۳۹)
۴. استقلال فکری(۴۰)
۵. تقویت اعتماد و امیدواری ملی(۴۱)
۶. خشونت‌گریزی و مهرورزی به مردم(۴۲)
۷. تقویت گروه‌ها و نهادهای مرجع(۴۳)
۸. رضایتمندی فزاینده مردم(۴۴)
۹. سلامت و تعهد رسانه‌های جمعی(۴۵)
۱۰. افزایش روحیه پایداری و ایستادگی ملی(۴۶)

امام خمینی(ره) علاوه بر توجه به عوامل امنیت‌زا در گفتارها و مواضعشان، عوامل و مؤلفه‌های امنیت‌زدا را نیز مورد اشاره قرار دارند که مهمترین آنها به شرح زیر است:

۱. ضعف انسجام ملی(۴۷)
 ۲. ضعف هویت دینی و ملی(۴۸)
 ۳. وابستگی فکری - فرهنگی نهادها و مراکز هویت‌بخش و اندیشه‌ساز(۴۹)
 ۴. اخلاق گریزی و اخلاق‌زدایی از سپهر عمومی جامعه(۵۰)
 ۵. کاهش قابلیت، بازتولید فرهنگی و ناتوانی اندیشه‌ورزی(۵۱)
 ۶. ضعف تبلیغاتی(۵۲)
 ۷. ناکارآمدی و بدکارکردی گروه‌های مرجع (روحانیون و روشنفکران)(۵۳)
 ۸. بی‌اعتمادی و نومیدی مردم(۵۴)
- مؤلفه‌های اقتصادی تأمین‌کننده امنیت ملی در رویکرد چندبعدی امنیتی امام(ره)، به صورت زیر برآورده شده است:
۱. خوداتکایی در نیازمندی‌های استراتژیک به ویژه در بخش کشاورزی(۵۵)
 ۲. پرهیز از مصرف‌گرایی و واردات‌محوری(۵۶)
 ۳. اتکا به متخصصین بومی (بومی‌سازی تولید، دانش و فناوری مربوطه)(۵۷)
 ۴. زمینه‌سازی برای واردات کالاهای مصنوع داخلی(۵۸)
 ۵. حمایت همه‌جانبه از اقشار مولد و تحقق مطالبات آنان(مثل کارگران و کشاورزان)(۵۹)
 ۶. مشارکت مردم در امور اقتصادی و سرمایه‌گذاری و اجتناب از دولت‌گرایی(۶۰)
 ۷. آرامش و رفاه اقتصادی و معیشتی مردم(۶۱)
- توجه به مؤلفه‌های فوق چنین می‌نمایاند که رویکرد امام(ره) در این حوزه درون‌گرایانه و معطوف به کاربست توانمندی‌ها و ظرفیت‌های موجود در داخل کشور بوده و متکی به حمایت مالی، اقتصادی و اعتباری بیگانگان نمی‌باشد. درون‌گرایی مردم‌محور چنان در آرای امام(ره) از قوت برخوردار است که حتی تهدیدات و فشارها و تحریم‌های اقتصادی را نه فقط تهدید امنیت ملی، بلکه زمینه‌ساز تقویت آن برمی‌شمارد. چنانکه فرمود:

«این محاصره اقتصادی را که خیلی از آن می‌ترسند من یک هدیه‌ای می‌دانم برای کشور خودمان، برای اینکه محاصره اقتصادی معنایش این است که مایحتاج ما را به ما نمی‌دهند. وقتی که مایحتاج را به ما ندادند خودمان می‌رویم دنبالش» (۶۲)

تهدیدات اقتصادی امنیت ملی از نگاه امام(ره) شامل عناصر زیر است:

۱. وابستگی اقتصادی (۶۳)
 ۲. بی‌کاری و کم‌کاری نیروهای مولد (۶۴)
 ۳. غفلت از نیازهای استراتژیک کشور مثل کشاورزی (۶۵)
 ۴. مصرف‌زدگی و واردات بی‌رویه کالاهای خارجی (۶۶)
 ۵. طمع‌ورزی و دست‌اندازی بیگانگان بر ذخایر و منابع استراتژیک کشور (۶۷)
 ۶. بی‌توجهی به اقتصاد و معیشت مردم (۶۸)
- امام(ره) در بخش امنیت نظامی نیز عناصر زیر را به عنوان مؤلفه‌های تأمین امنیت مورد توجه قرار داده‌اند:

۱. اسلام‌گرایی و معنویت‌جویی نیروهای مسلح (۶۹)
 ۲. توده‌ای کردن قوای مسلح از راه نهادسازی نظامی - مردمی (۷۰)
 ۳. وحدت، همکاری و هماهنگی بین نیروهای مسلح (۷۱)
 ۴. خوداتکایی در تولید تجهیزات نظامی (۷۲)
 ۵. پشتیبانی همیشگی مردم و دولت از نیروهای مسلح (۱۵/۹۹، ۱۵/۲۶) (۷۳)
- برجسته‌ترین تهدیدات نظامی امنیت ملی از دیدگاه امام(ره) به شرح زیراند:
۱. سیاسی شدن نیروهای مسلح (۷۴)
 ۲. اختلاف بین بخش‌های مختلف نیروهای مسلح (۷۵)
 ۳. ناهمراهی ملت با نیروهای مسلح (۷۶)
 ۴. فاصله‌گیری نیروهای مسلح از دیانت و معنویت (۷۷)
 ۵. ضعف روحی و خودناباوری نیروهای مسلح (۷۸)
 ۶. عدم مراعات اخلاق حرفه‌ای و بی‌انضباطی نیروهای مسلح (۷۹)
 ۷. مداخله و حمله نظامی دولت‌های بیگانه (۸۰)

ه. تحلیل یافته‌ها

احصای عوامل مقوم امنیت ملی و عناصر آسیب‌رسان و تهدیدزا نسبت به آن در آرا و گفتار امام(ره) بر گزاره‌های زیر دلالت می‌کند:

یک. نگاه امام(ره) به امنیت و ناامنی مرکب و چندبعدی است و از این منظر گفتمان امنیت ملی ایشان را می‌توان در زمره گفتمان مدرن و نرم‌افزاری جایابی نمود؛ زیرا اولاً هم‌نوا با هواداران رویکرد نرم‌افزاری، تهدیدات امنیت ملی صرفاً بعد نظامی ندارد؛ بلکه جامع‌نگری اقتضا می‌نماید که علاوه بر بعد نظامی، ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و حتی ابعاد نوظهوری چون بعد زیست‌محیطی را نیز شامل شود. ثانیاً تهدیدات فقط خاستگاه خارجی ندارند، بلکه مقدرات یا مخدورات و آسیب‌پذیری‌های داخلی، سهمی برجسته در تأمین یا تضعیف امنیت ملی ایفا می‌کنند؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت آسیب‌شناسی امنیتی بر تهدیدشناسی آن، اولویت زمانی و رتبی پیدا می‌کند.

دو. نفس کثرت‌انگاری در مؤلفه‌های امنیت‌زا و تهدیدات امنیت‌زدا بدین نکته رهنمون می‌شود که مرجع امنیت سویه‌ای جامعه‌گرایانه و مردم‌محور بیاید زیرا بسیاری از تهدیدات امنیت ملی ریشه داخلی داشته و متوجه موجودیت و بقای جامعه یا ارزش و مختصات هویتی آن می‌باشد. به علاوه استحکام و انسجام اجتماعی، رضایتمندی مردم، ارزشمندی و دین‌گرایی جامعه، قوام و پایایی امنیت ملی را به همراه دارد.

سه. امنیت‌شناسی امام(ره) سویه‌ای دین‌گرایانه دارد و صرفاً از خاستگاه سیاسی قدرت‌محور نشأت نمی‌گیرد. دین‌گرایی از دو جهت با تعیین و شناسایی مرجع امنیت پیوند می‌یابد. از یک سو با وسعت‌بخشیدن به جغرافیای کارکردی دولت اسلامی، امنیت و ناامنی آن را با امنیت و ناامنی امت اسلامی و حتی جهان محرومین گره می‌زند و از سوی دیگر موجب می‌شود جامعه را به طور عام، امنیت فرهنگی را به طور خاص و ممیزه‌های دینی را به طور اخص در مرکز ثقل مرجع‌شناسی امام(ره) قرار دهد. بنابراین، تهدیدات امنیتی و عوامل مقوم امنیت در نسبتی که با دین و نقشی که در تقویت دین‌باوری و التزام جامعه به آموزه‌های دینی یا تضعیف اعتقادی - التزامی بدان بازی می‌کند، فهم و سنجش می‌شود. به بیان دیگر صرف

دین‌باوری یا دینی‌نگری امنیت، جامعه‌محوری در مرجع امنیت را در پی دارد. در همین ارتباط امام(ره) اظهار داشتند:

«اینک که به توفیق و تأیید خداوند، جمهوری اسلامی با دست توانای ملت متعهد پایه‌ریزی شده است و آنچه در این حکومت اسلامی مطرح است و احکام حقوقی آن است، بر ملت عظیم‌الشأن ایران است که در تحقق محتوای آن به جمیع ابعاد و حفظ و حراست آن بکوشند که حفظ اسلام در رأس تمام واجبات است.» (۸۱)

چهار. مرجع امنیت که در این نوشتار از راه مطالعه مؤلفه‌ها و تهدیدات امنیت ملی استنباط می‌شود، در آرا و اندیشه امام(ره) وجهه‌ای ترکیبی و چندگانه دارد و جامعه، نظام و دولت را شامل می‌شود.

این مراجع رابطه‌ای تعاملی و دیالکتیکی با یکدیگر دارند. دولت به عنوان یکی از مراجع امنیت در آرای امام(ره)، همان جایگاه اصیل و محوری مکتب واقع‌گرایی را ندارد؛ زیرا مطابق مبانی معرفت‌شناسانه امام خمینی(ره)، موضوعاتی چون رباط یا مرزداری در فقه اسلامی، اصل استقلال‌طلبی و نفی سبیل در قرآن کریم، پذیرش اصل دیپلماسی در اسلام و قواعد عقل‌پایه اجتهاد شیعی، همانند اصل اهم و مهم، قلمرو ترخیص، احکام مصلحت‌پایه حکومتی و بسیاری قواعد دیگر، بر پذیرش ایده دولت - ملت، مفهوم سرزمین، وطن، کشور در منظومه فکری امام(ره) دلالت دارد که بالطبع توجه به مفاهیمی همچون امنیت، منفعت و مصلحت ملی را در افکار ایشان معنادار می‌نماید. (۸۲)

دلالت‌های قواعد و اصول فوق چنین می‌نمایاند که تأمین امنیت دولت اسلامی و پرهیز از اختلال در ارکان آن و تقلیل و تهدید آسیب‌ها و تهدیدات متوجه آن، دولت را در اندیشه امنیتی امام(ره) به عنوان یکی از مراجع امنیت معرفی می‌نماید.

مرجع دیگر امنیت در آرای امام(ره) جامعه است که از نظر رتبی بر سایر مراجع تقدم و ارجحیت دارد و از میان ابعاد فرهنگی - اجتماعی امنیت ملی، نقش محوری به دین و شناسه‌های هویتی، ارزشی و مختصات اعتقادی و میزان التزام عملی به هنجارهای دینی تعلق می‌گیرد و اساساً اسلام هم توان‌افزا و در نتیجه امنیت‌ساز تلقی شده و هم آماج اصلی و نخستین تهدیدکنندگان امنیت جامعه به شمار می‌رود. به علاوه تضعیف و استحاله اسلام

جدی‌ترین تهدید هویت جامعه اسلامی ارزیابی شده و فرصت‌سازی، قدرت‌آفرینی و امنیت‌زایی و یا متقابلاً فرصت‌سوزی و امنیت‌زدایی سایر مؤلفه‌ها در نسبت آن با اسلام مورد سنجش قرار می‌گیرد. به عنوان مثال اسلام با انسجام‌بخشی و یکپارچه‌سازی نیروهای اجتماعی و افزایش قابلیت بسیج سیاسی شهروندان و ارتقای روحیه ملی، سهم بسزایی در بالابردن ضریب امنیتی جامعه ایفا می‌کند و فاصله‌گزینی جامعه از ارزش‌های اسلامی به جدی‌ترین آسیب و تهدیدات امنیت ملی منجر می‌شود. در همین راستا امام خمینی (ره) اذعان داشتند:

- تکلیف ما این است که از اسلام صیانت کنیم و حفظ کنیم اسلام را. (۸۳)

- وقتی می‌توانیم با قدرت‌های بزرگ مقابله کنیم و آسیب‌پذیر نباشیم که متعهد به اسلام، متعهد به احکام اسلام باشیم. (۸۴)

- من اطمینان دارم که تا این ملت توجه به خدا دارد، هیچ قدرتی نمی‌تواند به این آسیب برساند. (۸۵)

علاوه بر آن در رویکرد امنیتی جامعه‌محور امام (ره)، «مردم» از موقعیتی کلیدی برخوردارند و تجمع و ترکیب آن با دین‌باوری، قوی‌ترین عامل امنیت ملی و ناهمراهی آن با دیانت، دولت و حکومت، جدی‌ترین آسیب و تهدید امنیتی ارزیابی می‌شود. پاسخگویی به مطالبات چندلایه مردم و در نهایت تأمین رضایتمندی آنان، هدف اصلی سیاستگذاری‌های امنیتی و مشارکت توأم با بصیرت آنان در امور اجتماع و سیاست، حمایت پیوسته از ارکان حکومت و دولت و نظارت مستمر آنان بر عملکرد کارگزاران، از اساسی‌ترین راهکارهای تأمین امنیت ملی به حساب می‌آید؛ به گونه‌ای که بدون حمایت و پشتیبانی ملت از حکومت و دولت، ارکان امنیت ملی ناستوار می‌نماید. نظر به نقش تعیین‌کننده مردم در امنیت‌سازی است که امام (ره) به کرات و در مناسبت‌های مختلف همگان را بدان توجه داده و بیان داشتند:

- یک کشوری وقتی آسیب می‌بیند که ملتش بی‌تفاوت باشد راجع به آسیب‌ها. (۸۶)

- شما وقتی قدرت دارید که ملت دنبال شما باشد. (۸۷)

- تا این مردم را دارید خوف اینکه بتوانند به شما آسیب برسانند هیچ نداشته باشید. (۸۸)

- مردم هم که در صحنه حاضر و ناظرند دیگر هیچ ترسی نیست. (۸۹)

- اگر مردم کنار بروند همه شکست می‌خوریم. (۹۰)

- اگر با ملت خوش رفتاری کردید و جهات اسلامی را رعایت کردید، این ملت‌ها همراه شما هستند. آن وقت آسیب‌ناپذیر هستید. (۹۱)

یکی دیگر از مراجع امنیت که در سپهر آرای امام (ره) به سهولت قابل کشف و فهم می‌باشد، رژیم یا نظام است. اگرچه از نظر مفهومی در قاموس علم سیاست بین آن دو تفاوت‌هایی وجود دارد، اما با اندکی تأمل می‌توان گفت که مقصود امام (ره) از ضرورت حفظ نظام جمهوری اسلامی همان رژیم به معنای مصطلح آن است نه چیزی غیر از آن. بقا و دوام نظام جمهوری اسلامی از منظر امام (ره) از چنان اهمیت و مرکزیتی برخوردار است که می‌توان برای حفاظت از آن احکام اولیه شرعیه را نیز تعطیل نمود. شایان ذکر است که دلیل انتخاب رژیم به عنوان مرجع امنیت از سوی امام (ره) به خاطر نسبت ایزاری است که با اسلام برقرار می‌کند. رژیم جمهوری اسلامی به مثابه اولین تجربه استقرار نظام سیاسی دینی در عصر غیبت (عج)، ایزاری برای عملیاتی کردن آموزه‌های شریعت و دیانت به شمار می‌رود و تلاش برای تأمین امنیت آن به منزله فعالیت برای تقویت بنیادهای دین و متقابلاً اقدام برای تضعیف یا تهدید امنیت آن به عنوان تهدید ارکان شریعت می‌باشد. ایشان با اشاره به این نکته بیان کردند:

«اگر این جمهوری اسلامی از بین برود، اسلام آنچنان منزوی خواهد شد

که تا ابد مگر در زمان حضور حضرت نتواند سرش را بلند کند.» (۹۲)

پنج. سه مرجع امنیت در نظرگاه امام (ره)، با یکدیگر همپوشانی داشته و مکمل هم به شمار می‌روند. از دیدگاه امام (ره) چون حکومت از مقبولیت وسیع مردمی و پایگاه گسترده اجتماعی برخوردار است، تفکیک بین امنیت رژیم و امنیت جامعه به گونه‌ای که در رژیم‌های غیردموکراتیک به اذهان متبادر می‌شود، امکان‌ناپذیر است؛ بلکه آن دو رابطه‌ای التزامی با یکدیگر دارند. بدین معنی که فقدان یا تضعیف پشتوانه مردمی حکومت و میزان مقبولیت مردمی آن جدی‌ترین تهدیدات امنیت ملی را در پی دارد. از سوی دیگر حکومت نقش ایزاری نسبت به جامعه، دیانت اسلام و تحقق منویات آن ایفا می‌کند؛ بدین مفهوم که انصاف هرچه بیشتر حکومت به صفت دینی و التزام همه‌جانبه‌تر به تعالیم و احکام آن، ضامن امنیت و عاری‌شدن آن از وصف دینی، اساسی‌ترین تهدید امنیتی فرض می‌شود. به علاوه «دولت» نیز

با وصف اسلامی در زمره دارالاسلام قرار می‌گیرد؛ لذا حفظ امنیت آن در مقابل تهدیدات اغیار ضروری و حتمی می‌شود. با این توضیح و در مقام استنتاج می‌توان گفت ضمن پذیرش رابطه دیالکتیکی بین سه مرجع اصلی امنیت یعنی جامعه، دولت و رژیم، مرجع جامعه با لحاظ دو مؤلفه برجسته آن یعنی «دین و مردم» از لحاظ رتبی بر دو مرجع دیگر یعنی دولت و رژیم اولویت و اصالت دارد و با آن دو رابطه‌ای غایی - آلی برقرار می‌کند. در این منطق جامعه قوی، منسجم، مشارکت‌جو، ناظر، هوشمند، اصیل و هویت‌دار، رضایتمند و دین‌باور، ضامن امنیت خود، دولت و رژیم شناخته می‌شود.

شش. جامعه‌محوری امام(ره) در تحلیل و تعیین مرجع امنیت، آرای وی را به مکتب جامعه‌گرایی نزدیک و مشترکاتی را بین آنها به نمایش می‌گذارد. چه هر دوی آنها برخلاف گفتمان سنتی امنیت ملی از دولت مرکزیت‌زدایی نموده و جامعه را جانشین آن می‌کنند. اگرچه دولت اهمیتش را به کلی از دست نمی‌دهد؛ اما مرجع محوری و اصلی امنیت تلقی نمی‌شود. از سوی دیگر برخلاف گفتمان سنتی، هم جامعه‌گرایان و هم امام(ره)، بر این باورند که عوامل و متغیرهای داخلی در امنیت‌زایی یا امنیت‌زدایی بیش از تهدیدات خارجی اثرگذارند و تقویت انسجام ملی و صیانت از اصالت‌های سنتی هویتی و دینی را مؤثرترین راه نیل به امنیت پایدار و اطمینان‌بخش؛ و تعمیق و اوج‌گیری اختلافات داخلی و فاصله‌گزینی از اصالت‌های ملی را قوی‌ترین عامل تهدیدات و آسیب‌پذیری‌های امنیتی ارزیابی می‌کنند و بر متغیرهایی چون تساهل، شناسایی و التزام به مراعات حقوق شهروندی، بیشینه‌سازی سرمایه اجتماعی، اعتمادسازی ملی، رضایتمندی عمومی و در یک کلمه حفظ هویت جامعه به مثابه متغیرهای ضروری برای نیل به امنیت پایدار صحنه گذاشته و تأکید می‌نمایند. گذشته از آنکه در هر دو دیدگاه دولت نه در نقش ناظر بی‌طرف، بلکه در جایگاه حافظ و ضامن پاسداری از ارزش‌های اخلاقی و اصالت‌های بومی جامعه ایفای نقش می‌کند.

نتیجه‌گیری

این مقاله با هدف شناسایی و تأمل درباره مرجع امنیت ملی در اندیشه امنیتی امام(ره) به رشته تحریر درآمده و پس از بیان شاخص‌های فهم و تعیین مرجع امنیت با تکیه بر سه مؤلفه

تأمین امنیت ملی، عوامل تهدید آن و اهداف و سیاست‌های امنیت ملی، در مجموع پنج مرجع امنیت ملی شامل فرد، جامعه، دولت، رژیم و جامعه جهانی را احصا و پس از مذاقه در عوامل تأمین و تهدید امنیت ملی در آرای امام خمینی (ره)، با تکیه محوری بر گفتارهای مضبوط در کتاب صحیفه نور به نتایج زیر رسیده است:

یک. رویکرد امام (ره) در مسأله امنیت ملی نه کلاسیک و سنتی بلکه مدرن و نرم‌افزاری است که تهدیدات را چندلایه و مرکب و از نظر خاستگاه نه فقط ریشه‌دار در محیط خارجی با صبغه نظامی بلکه بیشتر نهفته در محیط داخلی به تصویر می‌کشد.

دو. نرم‌افزارگونگی رویکردی و کثرت‌انگاری تهدیدات، به مرجع‌شناسی امام (ره) سویه‌ای جامعه‌گرایانه می‌بخشد. در نتیجه امام (ره) امنیت اطمینان‌بخش و پایدار را به صیانت و تقویت شناسه‌های هویتی جامعه مشروط می‌کند.

سه. مرجعیت‌یافتگی جامعه در رویکرد امام (ره)، بر دو رکن رکن دین‌مداری و مردم‌گرایی استوار است و اساساً اسلام هم امنیت‌افزا تلقی شده و هم اصلی‌ترین آماج تهدید ارزیابی می‌شود و نقش عوامل قوام‌بخش یا تضعیف‌کننده امنیت ملی در نسبتشان با دین مورد سنجش و داوری قرار می‌گیرد.

چهار. اندیشه امنیتی امام (ره) مرجعیت رژیم، جامعه و دولت را حکایت می‌کند که با همدیگر رابطه‌ای تعاملی دارند؛ اما از نظر رتبی، مرجع جامعه با اشمال بر دو مؤلفه «دین و مردم» بر دو مرجع دیگر یعنی دولت و رژیم ارجحیت یافته و با آن دو رابطه‌ای غایی - آلی برقرار می‌کند. در این منطق جامعه منسجم، دین‌باور، اصیل، باهویت و رضایتمند، ضامن امنیت خود، دولت و رژیم شناخته می‌شود و امنیت رژیم نیز در گرو پاسداری همه‌جانبه از تعالیم عالیه اسلام و تحقق رضایتمندی مردم است.

یادداشت‌ها

۱. ربیعی، علی، *مطالعات امنیت ملی، مقدمه‌ای بر نظریه‌های امنیت ملی در جهان سوم*، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۳، صص ۱۲۸ - ۱۱۷.
۲. عبدالله خانی، علی، *نظریه‌های امنیت، مقدمه‌ای بر طرح‌ریزی دکترین امنیت ملی*، جلد اول، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، ۱۳۸۲، ص ۸۸.
3. Buzan, Barry, *People, State and Fear: An Agenda for International Security Study in the Post Cold War Era*, Second Edition, Boulder Co, Lynne Rienner, 1991, p.65.
۴. افتخاری، اصغر، و قدیر، نصری، *روش و نظریه در امنیت پژوهی*، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۳، ص ۳۵.
5. Terrif, Terry, et.al, *Security Studies Today*, Cambridge, Polity Press, 1999, pp. 10 - 20.
۶. آذر، ادوارد ای و چونگ این‌مون، *امنیت ملی در جهان سوم*، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۹، ص ۸۳.
۷. افتخاری، اصغر، *مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی*، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۱، ص ۴۷.
۸. ماندل، رابرت، *چهره متغیر امنیت ملی*، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۷، صص ۱۴۶ - ۱۴۵.
9. Booth, Ken, "Security and emancipatin", *Review of International Studies*, 17 October, 1991, p. 324.
۱۰. طیب، علیرضا، *ارزیابی‌های انتقادی در زمینه امنیت بین‌الملل*، تهران، نشر نی، ۱۳۸۰، صص ۶۱ - ۵۹.
۱۱. *مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی*، پیشین، صص ۴۴.
۱۲. کریمی، علی، «تأملی معرفت‌شناسانه در مسأله امنیت ملی از نگاه امام خمینی(ره)»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال هفتم، شماره ۲۶، زمستان ۱۳۸۳، صص ۷۱۸ - ۶۹۷.
۱۳. هورو، جوکو، «به سوی امنیت کثرت‌گرا و گسترده»، *موسی موسوی زنوز، فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال هفتم، شماره ۲۳، بهار ۱۳۸۳، صص ۱۱۸ - ۱۱۰.
۱۴. *چهره متغیر امنیت ملی*، پیشین، ص ۱۴۹.
۱۵. خمینی، روح‌الله، *صحیفه نور*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۱، ج ۱۲، ص ۳۶۳.
۱۶. همانجا، ج ۱۴، ص ۴۱۴.

۱۷. همانجا، ج ۱۵، ص ۱۲۵.
 ۱۸. همانجا، ج ۱۵، ص ۳۵۶.
 ۱۹. همانجا، ج ۱۵، ص ۱۲۰.
 ۲۰. همانجا، ج ۱۸، ص ۴۷۱.
 ۲۱. همانجا، ج ۱۷، ص ۲۴۶.
 ۲۲. همانجا، ج ۱۴، ص ۳۰۷.
 ۲۳. وصیت‌نامه، ص ۲۶.
 ۲۴. صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۱۷.
 ۲۵. همانجا، ج ۱۳، ص ۳۰۱.
 ۲۶. همانجا، ج ۱۴، ص ۱۷۹.
 ۲۷. همانجا، ج ۱۶، ص ۶۲۴.
 ۲۸. همانجا، ج ۱۳، ص ۴۸۱.
 ۲۹. همانجا، ج ۱۸، ص ۲۸۶.
 ۳۰. همانجا، ج ۱۸، ص ۴۷۸.
 ۳۱. همانجا، ج ۱۸، ص ۱۴۶.
 ۳۲. همانجا، ج ۱۸، ص ۳۲۵.
 ۳۳. همانجا، ج ۱۳، ص ۲۱.
 ۳۴. همانجا، ج ۱۸، ص ۴۸.
 ۳۵. همانجا، ج ۱۳، ص ۵۱.
 ۳۶. همانجا، ج ۱۸، ص ۲۸.
 ۳۷. همانجا، ج ۱۹، ص ۱۹۳.
 ۳۸. همانجا، ج ۱۳، ص ۴۷۰.
 ۳۹. همانجا، ج ۱۹، ص ۲۵۳.
 ۴۰. همانجا، ج ۱۵، ص ۳۱۰.
 ۴۱. همانجا، ج ۱۳، ص ۵۳۷.
 ۴۲. همانجا، ج ۱۸، ص ۲۰۲.
 ۴۳. همانجا، ج ۱۳، ص ۲۰.
 ۴۴. همانجا، ج ۱۸، ص ۲۸۰.
 ۴۵. همانجا، ج ۱۴، ص ۳۸۴.
 ۴۶. همانجا، ج ۱۹، ص ۲۰۳.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

۴۷. همانجا، ج ۱۴، ص ۱۹۳.
۴۸. همانجا، ج ۱۷، ص ۲۰۳.
۴۹. همانجا، ج ۱۷، ص ۳.
۵۰. همانجا، ج ۱۷، ص ۲۶۷.
۵۱. همانجا، ج ۱۲، ص ۴۴۰.
۵۲. همانجا، ج ۱۴، ص ۵۶.
۵۳. همانجا، ج ۱۵، ص ۴۸۳.
۵۴. همانجا، ج ۱۸، ص ۲۸۲.
۵۵. همانجا، ج ۱۷، ص ۳۳.
۵۶. همانجا، ج ۱۴، ص ۱۱۴.
۵۷. همانجا، ج ۱۲، ص ۴۷۴.
۵۸. همانجا، ج ۱۲، ص ۲.
۵۹. همانجا، ج ۱۴، ص ۳۲۸.
۶۰. همانجا، ج ۱۹، ص ۱۰۹.
۶۱. همانجا، ج ۱۴، ص ۱۴۹.
۶۲. همانجا، ج ۱۴، ص ۱۱۶.
۶۳. همانجا، ج ۱۲، ص ۴۱.
۶۴. همانجا، ج ۱۲، ص ۱۰.
۶۵. همانجا، ج ۱۸، ص ۲۸۲.
۶۶. وصیت نامه، ص ۳۹.
۶۷. صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۳۱۴.
۶۸. همانجا، ج ۱۳، ص ۲۰۲.
۶۹. همانجا، ج ۱۲، ص ۴۰۲.
۷۰. همانجا، ج ۱۲، ص ۱۶۰.
۷۱. همانجا، ج ۱۹، ص ۱۰۲.
۷۲. همانجا، ج ۲۱، ص ۱۱۹.
۷۳. همانجا، ج ۱۵، ص ۹۹.
۷۴. همانجا، ج ۱۴، ص ۷۴.
۷۵. همانجا، ج ۱۵، ص ۳۸۰.
۷۶. همانجا، ج ۱۴، ص ۱۴۰.



۷۷. همانجا، ج ۱۳، ص ۳۹.
۷۸. همانجا، ج ۱۴، ص ۳۰۶.
۷۹. همانجا، ج ۱۳، ص ۵۴۱.
۸۰. همانجا، ج ۱۴، ص ۱۱۹.
۸۱. همان، ج ۲۱، ص ۱۷۶.
۸۲. «تأملی معرفت‌شناسانه در مسأله امنیت ملی از نگاه امام خمینی(ره)»، پیشین، صص ۷۱۳ - ۷۰۹.
۸۳. صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۲۵۱.
۸۴. همانجا، ج ۹، ص ۱۹۳.
۸۵. همانجا، ج ۱۵، ص ۲۱.
۸۶. همانجا، ج ۱۳، ص ۱۶۰.
۸۷. همانجا، ج ۱۴، ص ۴۴۴.
۸۸. همانجا، ج ۱۵، ص ۳۵۶.
۸۹. همانجا، ج ۱۶، ص ۱۵۶.
۹۰. همانجا، ج ۱۸، ص ۲۱۳.
۹۱. همانجا، ج ۱۸، ص ۵۹.
۹۲. همانجا، ج ۱۳، ص ۹۵.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی